

# انقلاب ایران

## ریشه‌های ناآرامی و شورش

مهران کامروا

ترجمه  
مصطفی مهرآیین



نشرکردن

## فهرست

۱	مقدمه مترجم
۳	پیش‌گفتار
۵	فصل اول: علل انقلاب
۶	نظریه‌های انقلاب
۲۳	نتیجه‌گیری
۲۷	فصل دوم: دولت پهلوی
۲۹	حکومت شاهنشاهی ایران
۵۸	فروپاشی رژیم
۹۱	فصل سوم: نیروهای مخالف رژیم
۹۳	احزاب سیاسی
۱۱۳	روشنفکران
۱۳۳	علما (روحانیان)
۱۴۸	فعالیت‌های مخالفان
۱۶۱	فصل چهارم: تغییر اجتماعی
۱۶۲	فرایند تغییر اجتماعی

۱۶۴	-----	تغییر اجتماعی در ایران
۱۷۳	-----	طبقات در ایران
۱۹۴	-----	تغییر اجتماعی و انقلاب
۲۰۱	-----	فصل پنجم: بسیج توده‌های انقلابی
۲۰۲	-----	نارضایتی‌های اقتصادی
۲۰۸	-----	خواسته‌های سیاسی
۲۱۵	-----	نارضایتی‌های اجتماعی-فرهنگی
۲۱۸	-----	رهبری آیت‌الله خمینی
۲۲۳	-----	فصل ششم: نتیجه‌گیری
۲۲۹	-----	ضمیمه: پیام رادیو-تلویزیونی شاه
۲۳۳	-----	منابع و یادداشت‌ها
۲۶۳	-----	کتابنامه
۲۸۵	-----	نمایه

## فصل اول

### علل انقلاب

سال‌هایی طولانی است که اندیشمندان علوم اجتماعی درگیر بحث مستمر درباره مفهوم انقلاب و علل و پیامدهای آن هستند. انقلاب ایران با به چالش کشیدن برخی از مفروضات و قضایای بنیادینی که بیشتر نظریه‌های انقلاب بر پایه آنها شکل گرفته‌اند، بار دیگر به این بحث دامن زده است. در همین حال، انقلاب ایران برخی دیگر از مفروضات و قضایای نظریه‌های موجود را تأیید و تصدیق کرده است، اگرچه در تمام موارد، دامنه این تأییدها محدود بوده و هرگز به تأیید و تصدیق تمامی یک چهارچوب نظری منتهی نشده است. در واقع، انقلاب ایران ضرورت ارزیابی مجدد تبیین‌های موجود از چرایی وقوع انقلاب‌ها را بار دیگر مطرح کرد؛ اما ارزیابی مجدد نظریه‌ها باید به‌گونه‌ای عمیق و روشمند صورت پذیرد. با این حال، انقلاب ایران حداقل موجب شد یکی از افراد متخصص در زمینه انقلاب‌ها برخی از مباحث اصلی خود را بازبینی کند.<sup>[۱]</sup> در این فصل امکان استفاده از برخی نظریه‌های مهم انقلاب را برای تبیین انقلاب ایران بررسی خواهیم کرد.

---

۱. منظور نویسنده خانم ندا اسکاچپول است که پس از وقوع انقلاب ایران در نظریه خود تجدید نظر کرد. -م.

همچنین می‌کوشیم، با توجه خاص به الگوی انقلاب ایران، حوزه‌های مهم پژوهش و تحقیق را که دانش انقلاب‌ها در آینده نیازمند تأکید بر آنهاست، شناسایی کنیم.

### نظریه‌های انقلاب

یکی از مهم‌ترین چهارچوب‌های نظری در مطالعه انقلاب‌ها، رویکردی است که با عنوان «ارزش-نظام»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود. بر اساس این نظریه، انقلاب‌ها احتمالاً زمانی اتفاق می‌افتند که اختلاف میان ارزش‌های یک جامعه با واقعیت‌های حیات اجتماعی آن گسترده و آشکار شده باشد. این نظریه که چالمرز جانسون<sup>۲</sup> آن را بسط و گسترش داد، تغییر و جابه‌جایی سریع ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را علت اصلی مخالفت توده‌ای با یک رژیم می‌داند. جانسون معتقد است انقلاب‌ها را باید در بافت و زمینه نظام‌هایی اجتماعی که در آن به وقوع می‌پیوندند، مطالعه کرد. او می‌نویسد: «تحلیل انقلاب» «درهم‌بافته با تحلیل جوامع برخوردار از کارکرد و کارآمد است و هرگونه تلاش برای جدا ساختن این دو مفهوم از یکدیگر موجب لطمه زدن به سودمندی هردوی آنها می‌شود»<sup>۳</sup>. به اعتقاد جانسون، نظام‌های اجتماعی خودتنظیم<sup>۴</sup> هستند؛ از این رو، می‌توانند خود را با تغییرات و عوامل مؤثری که در محیطشان بر آنها تأثیر می‌گذارد، سازگار کنند.<sup>۳</sup> هنگامی که یک جامعه توانایی خود را در سازگار شدن با تغییرات محیطی از دست می‌دهد، «نامتوازن» می‌شود و در وضعیت عدم تعادل قرار می‌گیرد؛ حالتی که در نتیجه «ناهماهنگی» میان ارزش‌های یک جامعه با تقسیم‌کار آن به وجود می‌آید.<sup>۴</sup> نامتعادل و نامتوازن بودن یک نظام به‌طور خودکار به انقلاب منجر نمی‌شود. برای وقوع انقلاب در یک نظام نامتعادل، وجود «شتاب‌دهنده‌های»

1. value-systems approach
2. Chalmers Johnson
3. homeostatic

مناسب و «سازش‌ناپذیری نخبگان» حاکم ضروری است.<sup>۵</sup> جانسون سه نوع عامل شتاب‌دهنده را مشخص می‌کند: ضعف نظامی یا وجود بی‌نظمی و ناهماهنگی میان نیروهای مسئول، باور انقلابیون به پیروز شدن بر نخبگان حاکم، و فعالیت‌های استراتژیک و نظامی که انقلابیون علیه نیروهای نظامی نخبگان حاکم انجام می‌دهند.<sup>۶</sup> رژیمی که مشروعیت خود را به دلیل تغییر ارزش‌ها از دست داده است، برای باقی ماندن در قدرت به نحوی فزاینده بر نیروهای قهریه خود تکیه می‌کند. هنگامی که ارزش‌های رژیم حاکم دیگر مشروع شناخته نمی‌شوند، موفقیت انقلاب بیش از هر چیز به پیروزی نظامی انقلابیون بر نخبگان سازش‌ناپذیر حاکم بستگی دارد.<sup>۷</sup>

گروه دوم از دانشمندان با تکیه بر رویکرد «روان‌شناسی توده‌ها» علل انقلاب را بررسی می‌کنند. مدافعان این رویکرد بر آن‌اند که ثبات یا بی‌ثباتی نظام سیاسی «در نهایت وابسته به وجود نوعی وضعیت ذهنی و حالت روحی در جامعه است»<sup>۸</sup>. توده‌ای از مردم که در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و از رژیم سیاسی سرخورده و مأیوس هستند، «توده‌ای نقاد و خرده‌گیر» را شکل می‌دهند، توده‌ای که قادر به بسیج خود در مخالفت با رژیم است.<sup>۹</sup> تد گرا<sup>۱</sup> و جیمز دیویس<sup>۲</sup> در بررسی دلایلی که شالوده و بنیان انواع متفاوت ناآرامی سیاسی را شکل می‌دهند، به‌گونه‌ای عمیق و گسترده بر این رویکرد تأکید کرده‌اند. دیویس بر این اعتقاد است که انقلاب‌ها وقتی محتمل‌ترند که مردم گونه‌ای کاهش و تنزل در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را حس کنند - به جای اینکه آن را واقعاً تجربه کنند.<sup>۱۰</sup> دیویس در گزاره‌ای که به‌صورت نماد این نظریه درآمده است، چنین ادعا می‌کند: «انقلاب‌ها زمانی احتمال وقوع پیدا می‌کنند که دوران طولانی توسعه اقتصادی و اجتماعی به دنبال خود دوران کوتاهی از بحران را به همراه آورد»<sup>۱۱</sup>. افول ناگهانی

1. Ted Gurr
2. James Davies